

ابو خالد کابلی یار خراسانی اهل بیت علیهم السلام

سید محمد جمال موسوی^۱

چکیده

مردمان مشرق اسلامی، از بخارا تا سراسر خراسان بزرگ و افغانستان، از همان آغاز به خاندان و دودمان نبوت، ارادت و احترام خاصی داشته‌اند. مهاجرت و سکونت گروه‌های کثیری از علویان و احفاد پیامبر اسلام به سرزمین‌های بخارا، سمرقند، خوارزم، ترمذ، بلخ، قندز، هرات و غزنین بیانگر پذیرش قلبی و گرایش مردمان این سرزمین‌ها به خاندان پاک رسول خداست. بسیاری از مردمان این دیار برای تشریف و خدمتگزاری خاندان اهل بیت علیهم السلام به حجاز کوچیدند. یکی از متقدمین ارادتمندان و مشتاقان اهل بیت علیهم السلام در سده اول هجری از سرزمین کابل برخاسته است. او ابو خالد وردان کابلی است. ابو خالد را در شمار پنج تن از شیعیان امام علی بن حسین زین العابدین علیهم السلام نام برده‌اند. وی حقیقت امامت علی بن حسین علیهم السلام را از محمد حنفیه دریافت و به خدمت ایشان شتافت و ملازمت آن حضرت را برگزید و در شمار اصحاب معتمد و خاص درآمد و محب معتقد و مخلص امام گشت. در این نوشتار به اختصار به زندگی این صحابی خاص امام چهارم علیهم السلام پرداخته شده است.

کلیدواژگان

ابو خالد کابلی، امام سجاد، اصحاب ائمه، کابلی.

^۱. دانش‌پژوه دکتری تاریخ تمدن اسلامی. تاریخ دریافت ۱۳۹۵/۸/۲۰ تاریخ تأیید ۱۳۹۵/۹/۲۵.

مقدمه

امام سجاد علیه السلام عصر عاشوراء، پس از شهادت امام حسین علیه السلام به مقام امامت نایل آمد و به مدت ۳۴ سال تا زمان شهادتشان (۹۵ ق) وظیفه هدایت جامعه را بردوش داشتند. یکی از مهمترین و دشوارترین وظایف حضرت در دوره امامتشان، هدایت و حفظ جامعه شیعیان در شرایط بسیار سخت و دشوار پس از حادثه کربلاء بود که بر جامعه اسلامی و به ویژه شیعیان حاکم گشته بود.

آن حضرت با شرایط و وضعیتی در جامعه روبرو گردید که می‌بایست با خط مشی صحیح، از یک سو یاد و خاطره و پیام حادثه کربلاء را در سینه‌ها زنده نگه دارد و آن را از خطر فراموشی و تحریف حفظ کند و هم به بازسازی و ترمیم جامعه علوی و شیعی که آسیب‌های کلی دیده بود پردازد و مبانی اسلام و تشیع و تفکر ناب محمدی صلی الله علیه و آله را استحکام بخشیده و تبیین کند. راهبردی که حضرت اتخاذ کرد راهبردی فرهنگی و علمی بود و نیازمند تربیت اصحاب و شاگردانی که میراث علمی و فرهنگی اهل بیت علیهم السلام حمل کرده و به گسترش، ترویج و تبیین آن در جامعه پردازند. از این رو استراتژی امام علیه السلام برای مبارزه با حاکمان جور اموی و تبعات اعتقادی، سیاسی و فرهنگی حاکمیت آنان مبارزه‌ای فرهنگی و علمی بود. این راهبرد، ابعاد گوناگونی داشت که فعالیت‌های علمی، اجتماعی، عبادی، سیاسی را شامل می‌شد. در این نوشتار یکی از ابعاد را به بررسی گرفته است که زیر مجموعه فعالیت‌های علمی و فرهنگی حضرت قرار می‌گیرد. این جنبه، نیرو سازی و تربیت شاگردان زبده برای تبلیغ معارف اهل بیت در سطح عموم در دراز مدت، و آماده کردن آنان برای مبارزه فرهنگی و عقیدتی با معارضان و مخالفان قرآن و اهل بیت علیهم السلام بود که از حمایت دستگاه حاکمه برخوردار بودند.

شرایط جامعه اسلامی و به ویژه وضعیت شیعیان در روایتی از امام صادق علیه السلام به خوبی توصیف شده است. به گفته‌ی آن حضرت، پس از شهادت

امام حسین علیه السلام مردم از ولایت مرتد شدند و برگشتند مگر سه تا چهار نفر، ابو خالد، یحیی و جبیر و ... سپس مردم ملحق شدند و زیاد گشتند.^۱

شیخ طوسی در رجال خود نام‌های ۱۷۲ تن از یاران و شاگردان امام سجاد علیه السلام را آورده است^۲ که تنی چند از آنان مانند ابو حمزه ثمالی، یحیی بن ام‌الطویل، سعید بن جبیر، سعید بن مسیب و ابو خالد کابلی از جمله‌ی افراد برجسته، ممتاز و نزدیک به حضرت بودند.

ابو حمزه ثمالی (م ۱۵۰ ق) از بزرگ شیعیان کوفه و به تعبیر امام رضا علیه السلام لقمان عصر خویش^۳ بود که دعاهای سحر ماه مبارک رمضان و رساله‌ی حقوق را از امام سجاد علیه السلام روایت کرده است.^۴ یحیی بن ام‌الطویل (م بین ۸۴ تا ۹۵ ق) از یاران پرشور امام چهارم بود که در زمانه‌ی حاکمیت خفقان آمیز و سرکوبی شدید شیعیان به صراحت به مخالفت با حجاج بن یوسف ثقفی پرداخت و توسط او به شهادت رسید.^۵ سعید بن جبیر (۹۵-۴۵ ق) از مردان پرهیزگار روزگار خود بود که بسیار قرائت قرآن^۶ می‌کرد و به لحاظ علمی مورد قبول شیعه و عامه بود که توسط حجاج به شهادت رسید. سعید بن مسیب (م ۹۴ ق) صحابی قدیمی امام سجاد و شهره‌ی به فقه و تقوا و از فقهای هفتگانه مدینه بود. ابن حیان، رجالی اهل سنت وی را سرآمد فقهاء و پارسایان از تابعین دانسته است.^۷ وی امام

۱. طوسی، محمد بن حسن، اختیار معرفة الرجال، (رجال کشی)، تحقیق سید مهدی رجایی، قم: مؤسسه آل‌البیت، ۱۴۰۴ هـ، ج ۲، ص ۱۵۵.

۲. طوسی، محمد بن حسن، رجال الطوسی، تحقیق سید محمد صادق آل بحر العلوم، نجف، مکتب الحیدریه، چاپ اول، ۱۳۸۱ ق، صص ۸۱ تا ۱۲۰.

۳. اختیار معرفة الرجال، ج ۲ ص ۴۵۸.

۴. آقابزرگ طهرانی، الذریعة الی تصانیف الشیعة، بی‌جا، بی‌تا، ج ۱۳، ص ۲۴۶.

۵. خویی، ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث، نشر دفتر آیة‌الله خویی، قم، ۱۳۶۸ ش، ج ۲۰، ص ۳۵.

۶. ابن سعد، الطبقات الکبری، تحقیق محمد عبد القادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیة، ط الأولى، ۱۴۱۰، ج ۶، ص ۲۷۰.

۷. عزیزی، حسین و دیگران، راویان مشترک، قم: بوستان کتاب، چاپ اول، ۱۳۸۰ ش، ج ۱، ص ۴۰۶.

سجاد علیه السلام را سیدالساجدین می‌نامید^۱ و می‌گفت که با تقواتر از ایشان کسی را ندیده است.^۲

دیگر صحابی بزرگوار امام چهارم علیه السلام ابو خالد کابلی است که در ادامه نوشتار به بررسی گوشه‌هایی از شخصیت و زندگی وی پرداخته می‌شود.

ابو خالد کابلی

ابو خالد کابلی با نام وردان و ملقب به کنکر از یاران نزدیک امام سجاد علیه السلام^۳ و از مردان به نام شیعی در سده‌ی اول هجری بود. آن چنان که از کتاب‌های روایی و رجالی برمی‌آید این است که نام اصلی وی، کنکر یا کنگر است که مادرش این نام را برای وی انتخاب کرده بوده است، ولی وی بین مردم به این نام اشتهار نداشته است.

وی وقتی اول بار به حضور امام سجاد علیه السلام شرفیاب گردید از طرف آن حضرت با نام کنگر مورد خطاب قرار گرفت که باعث تعجب ابو خالد گردید، چرا که غیر از وی و مادرش، احدی از آن خبر نداشت. هدف امام سجاد علیه السلام هم از این خطاب این بود که ابو خالد کابلی به امامت ایشان یقین پیدا کند و از تحییر و سرگردانی بیرون آید. پس از این رویداد است که وی ملقب به کنگر می‌گردد.^۴ می‌گردد.^۴

زادگاه ابو خالد کابلی، کابل پایتخت افغانستان فعلی بوده است. اما از تاریخ

۱. شوشتری، نورالله، احقاق الحق و ازهاق الباطل، نشر کتابخانه آیه‌الله مرعشی النجفی، قم، ۱۴۰۹ ق، ج ۱۲، ص ۱۳۴.

۲. ذهبی، تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الأعلام، شمس‌الدین محمد بن احمد (م ۷۴۸)، تحقیق عمر عبد السلام تدمری، بیروت، دار الکتاب العربی، ج ۶، ص ۴۳۴.

۳. رجال طوسی، ص ۱۱۹ و معرفه الرجال، ج ۱، ص ۲۵ و حلی، حسن بن یوسف، خلاصه اقوال، نشر حیدریه، نجف اشرف، ۱۳۱۸، ص ۱۵۷.

۴. معرفه الرجال، ج ۱، ص ۳۳۷. و راوندی، قطب‌الدین بن سعید، الخرائج و الجرائج، موسسه امام مهدی، قم، بیتا، ج ۱، ص ۲۶۱.

تولد، چگوگی نشو و نما و هجرت وی به حجاز اطلاعی در دست نیست. شاهد بر تأیید این نکته که مولد وی کابل است این است که ظاهر روایات، حکایت از آن دارد که وی در طول حضور خود در حجاز، زمانی که در مصاحبت امام سجاد علیه السلام بوده است، دست کم یک بار با مساعدت امام برای دیدن خانواده اش به کابل سفر کرده است.^۱

در روایتی از امام صاق علیه السلام انگیزه‌ی هجرت ابو خالد از کابل به حجاز، دیدار با امامش بوده است که در آن وقت وی محمد حنفیه را امام می‌پنداشته است. پس از حادثه کربلاء و شهادت امام حسین علیه السلام بسیاری از شیعیان دچار سردرگمی و حیرت در تشخیص امام واجب الطاعه بعد از ایشان گردیدند و بسیاری هم از مسیر ولایت و امامت منحرف شدند، اما گروه کوچکی از شیعیان به نحو جدی پیگیر یافتن امام و جانشین پس از امام حسین علیه السلام بودند که ابو خالد کابلی یکی از آنان بود.

در ابتدا ابو خالد کابلی، با اعتقاد به این که زمین هیچ‌گاه از حجت خدا خالی نمی‌ماند به سوی محمد حنفیه فرزند امیرالمؤمنین علیه السلام روی آورد و زمانی طولانی وی را همراهی و بسان امام واجب الطاعه خدمت می‌کرد. اما از آن جایی که محمد حنفیه احترام زیادی برای امام سجاد قائل می‌شد و ابو خالد کابلی اشارات فراوان از محمد حنفیه مبنی بر بزرگی امام سجاد علیه السلام دیده بود به امام سجاد علیه السلام روی آورد.^۲

داستان گواهی حجرالاسود بر امامت امام سجاد علیه السلام روایت معروفی است که در تغییر عقیده‌ی ابو خالد کابلی نقش تعیین کننده داشته است. هر چند در این جریان به نظر می‌رسد که هدف محمد حنفیه اثبات امامت حضرت سجاد علیه السلام

۱. معرفة الرجال المعروف برجال کشی، ج ۱، ص ۱۲۱-۱۲۳ و الخرائج و الجرائح، ج ۱، ص ۱۶۴-۲۶۲ و

ابن شهر آشوب محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، چاپخانه علمیه، قم، بیتا، ج ۴، ص ۱۴۵.

۲. معرفة الرجال، ج ۱، ص ۳۳۷ و معجم الرجال حدیث، ج ۱۵، ص ۱۳۴.

برای ابوخلد کابلی و بقیه مردم بوده است.^۱ در برخی منابع روایی آمده است که ابوخلد، زمانی که در جستجوی امام برحق پس از امام حسین علیه السلام بوده است نزد حسن مثنی رفته و از وی در مورد میراث امامت و ولایت سؤال کرده است و چون از حسن مثنی نشانه‌ای ندیده است نا امید و سرگردان هم‌چنان در پی امام برحق بوده است تا به امام سجاد علیه السلام می‌رسد.^۲ البته در مورد این که آیا حسن مثنی ادعای امامت کرده یا نه، اختلاف نظر وجود دارد. برخی از منابع زیدیه^۳ و ملل و نحل نویسان از حسن مثنی به‌عنوان یکی از امامان زیدیه یاد کرده‌اند. اما شیخ مفید معتقد است که حسن مثنی هرگز ادعای امامت نکرده است و کسی نیز به نام او چنین ادعایی نکرده است.^۴

به نظر می‌رسد هم‌نشینی ابوخلد کابلی با ام طویل در هدایت و رهنمونی وی به سوی امام سجاد علیه السلام بی‌تأثیر نبوده است. وی وقتی با اصرار و صحبت‌های ام طویل خدمت امام سجاد علیه السلام می‌رسد و امام او را با نامی که در کودکی مادرش برایش برگزیده بوده می‌خواند و احدی هم از آن خبر نداشته است به امامت امام سجاد علیه السلام یقین پیدا می‌کند و سجده‌ی شکر به جا می‌آورد.^۵

پس از این ابوخلد کابلی در زمره یاران و شاگردان امام سجاد علیه السلام قرار می‌گیرد تا زمانی که سخت‌گیری‌های بنی‌امیه بر شیعیان و دوستان آنان خاندان اهل بیت شدید شده و بسیاری از دوستان علوی به زندان افتاده یا به شهادت رسیدند، یا فراری شده و به زندگی مخفی روی آوردند. اوج این سخت‌گیری‌ها

۱. مناقب آل ابی‌طالب، ج ۳، ص ۲۸۸ و الخرائج و الجرائح، ج ۱، ص ۲۵۷.

۲. ابن حمزه طوسی، عبدالله، الثاقب فی المناقب، به کوشش نبیل رضاعلوان، قم ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۳۶۳ و رازی، محمد بن حسین، نزهة الکرام، به کوشش ابن رستم طبری، نجف، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۶۷۸-۶۷۹.

۳. حسنی، احمد بن ابراهیم، المصابیح، چاپ عبدالله حوثی، صنعاء، بی تا، ص ۳۷۹.

۴. مفید، محمد بن نعمان، الارشاد فی معرفة العباد، قم، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۲۶.

۵. ابن رستم، محمد بن جریر طبری، دلائل الامامة، نشر موسسه بعثت، قم، ۱۴۱۳، ص ۲۰۹.

و برخورد و اختناق حاکمیت بیست ساله حجاج بن یوسف ثقفی بر عراق بود که در دشمنی با شیعیان شهره و بسیار سخت گیر بود. ابن ابی الحدید در توصیف کشتار شیعیان توسط حجاج به نقل از امام باقر علیه السلام می گوید که حجاج شیعیان را می کشت و به کوچک ترین ظن و تهمتی بازداشت می کرد. به حدی که اگر درباره مردی گفته می شد زندیق یا کافر است، بهتر بود از این که وی را شیعه علی معرفی کنند.^۱ به قول مسعودی، حجاج از مروجان سب امام علی علیه السلام بود و آن را نوعی منقبت برای سب کننده می دانست.^۲

وقتی حجاج فرمانروای بصره و کوفه شد، بر یاران ائمه ع سخت گرفت و هر کجا ردپایی از آنان می یافت، بیدرنگ در پی آزار و نابودی شان بر می آمد. بسیاری از شاگردان امام سجاده علیه السلام مانند سعید بن جبیر و ام طویل توسط حجاج تحت تعقیب قرار گرفته و دستگیر و به شهادت رسیدند. ابو خالد کابلی هم برای فرار از دست ماموران اموی به مکه فرار کرد و مدت ها در آن جا به گونه ای مخفی زندگی کرد تا آن که حاکمان اموی با هم درگیر شدند و از شدت سخت گیری بر شیعیان کاسته شد. وی پس از شهادت امام سجاده علیه السلام، خود را به مدینه نزد امام باقر علیه السلام رساند و در زمره یاران و شاگردان آن حضرت قرار گرفت. ابو خالد کابلی راوی روایاتی از امام باقر علیه السلام هم می باشد.^۳

ابو خالد کابلی بیشتر عمر خود را در مدینه و در خدمت خاندان اهل بیت علیهم السلام به سر برد و از محضر امام سجاده و امام باقر علیه السلام بهره مند گردید. از این رو می توان گفت که وی، از سال ۶۱ تا سال ۱۱۴ هجری، در مدینه اقامت داشته و از محضر امامین سجاده و باقر علیه السلام کسب فیض کرده است.

توسعه
در
کتاب
تاریخ
و
سند
و
تاریخ
پنج
ساله

^۱ ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغة، الأميرة، بیروت، ج ۱۱، ص ۲۹.

^۲ مسعودی، ابی الحسن (۲۰۰۵) مروج الذهب، ج ۳، بیروت: المکتبة العصرية، ج ۳، ص ۱۲۰.

^۳ معرفه الرجال، ج ۱، ص ۳۳۸ و عالمی دامغانی، محمد علی، شاگردان مکتب ائمه علیهم السلام، قم، ۱۳۶۸ ش، ج ۱، ص ۱۱۰.

خلط در کنیه ابو خالد کابلی

در کتاب‌های رجالی به سبب اشتراک کنیه بین ابو خالد کابلی و ابو خالد قماط مسمی به یزید، از اصحاب امام صادق علیه السلام خلط شده است. در این کتاب‌ها از دو ابو خالد کابلی یاد شده است. یکی ابو خالد اکبر، ملقب به کنکر که اسمش وردان است و دیگری اصغر که اسم او نیز وردان است. شیخ طوسی در رجالش از کنکر ابو خالد کابلی نام برده که نامش وردان است و او را از اصحاب امام سجاده علیه السلام ذکر کرده است، و در میان اصحاب امام باقر علیه السلام از ابو خالد کابلی اصغر یاد کرده که وردان نام داشته و از امام صادق علیه السلام هم روایت کرده است و متذکر شده که کنکر نام اصلی و لقب ابو خالد کابلی اکبر است.^۱

صاحب معالم فرزند شهید ثانی در تحریر الطاوسی آورده است که ابو خالد کابلی عنوان دوتن از اصحاب ائمه علیهم السلام بوده که به قید اکبر و اصغر از هم جدا می‌شدند.^۲ رجال ابوداود هم به تعدد ابو خالد قائل است.^۳ اما علامه حلی به اتحاد ابو خالد معتقد است که نام اصلی اش کنکر و وردان اسم یا لقب مشهورش می‌باشد.^۴

به نظر می‌رسد که ابو خالد کابلی، عنوان دو تن از اصحاب و یاران ائمه علیهم السلام بوده که اکبر، نامش وردان و لقبش کنکر بوده است و از اصحاب امام چهارم علی بن حسین علیه السلام به شمار می‌آید که از امام باقر علیه السلام هم روایت نقل کرده است؛ و اصغر، نامش وردان بوده و فاقد لقب کنکر، که از صادقین علیهم السلام روایت کرده است و از اصحاب آن دو امام همام علیهم السلام به شمار می‌آید.^۵

^۱. رجال طوسی، صص ۱۴۸-۱۱۹.

^۲. حسن بن زین الدین، تحریر الطاوسی، مکتبه مرعشی، قم ۱۴۱۱ ق، ص ۵۹۰.

^۳. حلی، تقی الدین بن داود، رجال ابن داود، حیدریه، نجف، ۱۳۹۲ ق، ص ۱۹۷.

^۴. حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، خلاصه اقوال، حیدریه، نجف، ۱۳۸۱ ق، صص ۴۹۲-۱۵۷.

^۵. معرفه الرجال، ج ۱، ص ۲۶ و معجم الرجال حدیث، ج ۲، صص ۱۲۴-۱۲۳ و حسینی تفرشی، سیدمصطفی، نقد الرجال، موسسه آل‌البیت، قم، ۱۴۱۸ ق، ج ۵، صص ۲۵-۲۴ و بروجردی، سیدعلی،

جایگاه و شخصیت

ابو خالد کابلی پس از آن که از ملازمان و یاران امام سجاده علیه السلام قرار گرفت به مرتبه و جایگاه بلندی بین اصحاب حضرت دست یافت به گونه‌ای که وی را باب^۱، یکی از ثقات^۲ و یکی از حواریون^۳ حضرت دانسته‌اند^۴. فضل بن شاذان نیز، ابو خالد را یکی از پنج تنی می‌شمارد که در اوایل امامت حضرت سجاده علیه السلام از شیعیان ایشان به شمار می‌آمده است.^۵

هم چنین در روایتی از امام صادق علیه السلام، سعید بن مسیب، قاسم بن محمد بن ابی بکر و ابو خالد کابلی به عنوان سه تن از یاران مورد اعتماد امام سجاده علیه السلام نام برده شده‌اند.^۶

در روایتی دیگر از امام صادق علیه السلام در توصیف شرایط شیعیان و دوستانداران اهل بیت علیهم السلام آمده است که پس از حادثه‌ی خونین عاشورا، جز سه تن، بیشتر مردم از دین دست برداشتند، این افراد عبارتند از ابو خالد کابلی، یحیی ام طویل و جبیر بن مطعم. سپس مردم به تدریج به آنان پیوستند و به امامت معصومان اعتقاد پیدا کردند. این روایت بیانگر شناخت و بصیرت این افراد نسبت به امام زمان شان و علو مقام شان در بین شیعیان می‌باشد.

در حدیثی از امام کاظم علیه السلام که در آن یاران رسول خدا و ائمه معصومین علیهم السلام در روز قیامت معرفی شده است که جزء اولین کسانی‌اند که وارد بهشت

طرائف المقال، مکتبه آیه‌الله مرعشی، قم، ۱۴۱۰ ق، ج ۲، ص ۶۳-۴۵.

^۱. رک به ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۱۷۶.

^۲. کافی، ج ۱، ص ۴۷۲.

^۳. معرفة الرجال، ج ۱، ص ۱۰۹.

^۴. باب الامام، اصطلاحی است که برخی عالمان رجالی برای برخی اصحاب خاص و نزدیک امامان شیعه علیهم السلام به کار برده‌اند که وکالت برخی امور ایشان را نیز عهده‌دار بودند. این اصطلاح توسط خود امامان علیهم السلام استفاده نشده است و در سنت بیشتر مولفان تراجم و عالمان رجالی نیز معنای مثبتی ندارد.

^۵. معرفة الرجال، ص ۱۱۵.

^۶. اردبیلی، محمد بن علی، جامع الرواة، دارالاضواء، بیروت، ج ۲، ص ۳۸۲.

می‌گردند. در این حدیث نام ابو خالد کابلی هم در زمره‌ی اصحاب و یاران امام سجاده علیه السلام در روز رستاخیز ذکر شده^۱ که دلالت بر منزلت و مقام والای ابو خالد نزد خداوند و خاندان اهل بیت علیهم السلام دارد.

ابو خالد کابلی راوی حدیث

ابو خالد کابلی بیشتر عمر خود را در مدینه در ملازمت امامان معصوم به سر برد و از شاگردان مکتب امام سجاده و امام باقر علیهم السلام محسوب شده و از سال ۶۱ تا ۱۱۴ هجری قمری از استادان بزرگی چون امام علی بن الحسین علیه السلام، امام محمد باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام دانش و معارف آموخت.

از ابو خالد حدود هشتاد روایت درباره اعتقادات، اخلاق، تاریخ، مهدویت، تفسیر و ... نقل شده است. وی علاوه بر نقل روایت از امام سجاده و باقر علیهم السلام از کسانی دیگری چون اصیغ بن نباته و یحیی ام الطویل روایت شنیده و نقل کرده است.^۲

برخی هم مانند جمیل بن صالح، هشام بن سالم، مثنی بن حناط، ضریس بن عبدالملک و سدیر صیرفی^۳ از وی روایت شنیده و نقل کرده‌اند. در بحارالانوار از افراد ذیل هم به عنوان کسانی که از ابو خالد نقل روایت کرده یاد شده است. ابی حمزه ثمالی،^۴ ابن عماره،^۵ ابن ابویوب،^۶ حسین بن سلمه،^۷ سعید بن جبیر،^۸ عبد

۱. الاختصاص، ص ۶۱.

۲. معرفه الرجال، ج ۱، ص ۳۳۸ و شاگردان مکتب ائمه علیهم السلام، ج ۱، ص ۱۱۰.

۳. الحرائج و الجرائح، ج ۲، ص ۸۴۰ و معرفه الرجال، ج ۱، ص ۳۳۶ و کمال الدین و اتمام النعمه، ص ۱۱۹ و کافی، ج ۶، ص ۲۸۰.

۴. بحار، ج ۳۱، ص ۳۸۶.

۵. بحار، ج ۳۷، ص ۲۲۳.

۶. بحار، ج ۲۳، ص ۳۸.

۷. بحار، ج ۲، ص ۴۵.

۸. بحار، ج ۴۶، ص ۷۱.

الحمید طائی،^۱ عبدالله بن فضل،^۲ میسر بن عبدالعزیز نخعی،^۳ معمر بن یحیی بن سام^۴ و منصور بن یونس.^۵

الف - روایات ابو خالد کابلی از امام سجاده علیه السلام

ادعای امامت محمد بن حنفیه:

این روایت همان جریان مشهور شهادت و گواهی حجر الاسود بر امامت و ولایت امام سجاده علیه السلام است. محمد حنفیه، ابو خالد کابلی را مامور می‌کند که به امام سجاده علیه السلام بگوید چون محمد حنفیه فرزند بزرگ امیر المؤمنین علیه السلام است، پس به مقام امامت شایسته ترم. در جواب امام سجاده علیه السلام پیشنهاد داوری حجر الاسود را می‌کند که در نهایت با گواهی حجر الاسود به حقانیت امام سجاده علیه السلام و قبول آن از جانب محمد حنفیه ختم می‌گردد.^۶ گفته می‌شود که سید حمیری هم با شنیدن این جریان از مذهب کیسانیه دست برداشته و معترف به ولایت ائمه معصومین علیهم السلام می‌گردد.

معجزه امام حسین علیه السلام

این روایت را ابو خالد از امام سجاده علیه السلام نقل می‌کند که در آن داستان مردی است که جراحی بر پیشانی‌اش ظاهر شده و از این بابت غمگین بوده است، تا این که به حضور امام حسین علیه السلام می‌رسد و آن حضرت با انگشت مبارکش آن

۱. بحار، ج ۵۳، ص ۵۶.

۲. بحار، ج ۵۵، ص ۲۷۴.

۳. بحار، ج ۲۷، ص ۵۶.

۴. بحار، ج ۵۲، ص ۲۴۳.

۵. بحار، ج ۵۲، ص ۳۳۰.

۶. الخرائج و الجرائح، ج ۲، ص ۲۵۷ و بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۲۹.

جراحت را برطرف می‌کنند.^۱

معجزات امام سجاده علیه السلام

در این بخش به سه روایت ابوخالد از امام سجاده علیه السلام اشاره می‌گردد. اولین روایت اشاره به داستانی دارد که در هنگامه‌ای که شیعیان در تحبیر تعیین امام پس از امام حسین به سر می‌بردند، ابوخالد به حسن مثنی مراجعن کرده و از او درخواست میراث امامت را می‌کند که با پاسخ تند وی روبرو می‌گردد. تا آن‌که امام سجاده علیه السلام را می‌بیند و حضرت پیش از آن‌که ابوخالد سوالی کند وی را به نام اصلی‌اش کنکر که غیر از خودش و مادرش احدی از آن خبر نداشته است مورد خطاب قرار می‌دهد و به ابوخالد می‌فرماید که آیا می‌خواهد که وی را از آن‌چه که بین او و حسن مثنی گذشته است مطلع کند.

روایت دوم بیان راه رفتن امام سجاده علیه السلام روی آب در حضور ابوخالد کابلی و یحیی بن ام الطویل است که در ضمن آن سخن حضرت را در مورد سه گروهی که در قیامت خداوند به آنان توجهی نمی‌کند، نقل کرده است.^۲

روایت سوم هم درباره ملاقات امام با فردی است که ادعای منجم بودن می‌کند و وقتی که امام او را از برخی اسرار شخصی‌اش آگاه می‌کند، سر تعظیم و تسلیم در برابر امام فرو می‌آورد و شهادت به حجیت حضرت می‌دهد.^۳

تفسیر آیه قرآن

در این روایت ابوخالد تفسیری از امام سجاده علیه السلام را در مورد آیه ۸۵ سوره

۱. طوسی، ابن حمزه، الناقب فی المناقب، ص ۳۲۶ و بحرانی، سیدهاشم، مدینه المعاجز، موسسه معارف اسلامی، قم، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۵۰۸.

۲. عیون المعجزات، ص ۶۴، و دلائل الامامه، ص ۲۰۹، و بحارالانوار، ج ۴۶، ص ۱۰۲ و مدینه المعاجز، ج ۴، ص ۲۹۵.

۳. دلائل الامه، ص ۲۱۰ و الاختصاص مفید، ص ۳۲۰.

قصص - ان الذي فرض عليك القرآن لرادك الى المعاد - بيان می کند که حضرت مراد آیه شریفه را رجعت رسول خدا، امیرالمؤمنین و ائمه علیهم السلام بیان می دارد.^۱

افراط گرایان و غالیان

در این روایت امام سجاده علیه السلام بیان می کند که به زودی ائمه علیهم السلام هم همانند یهود و نصاری دچار افراط گرایان و غالیانی خواهد شد که در حق اهل بیت علیهم السلام چنان غلو می کنند که یهود و نصاری در حق پیامبران خود نکرده اند، پس ما اهل بیت از آن جماعت بیزاریم و آنان از ما نیستند.^۲

روایت فضیلت انتظار فرج و مدح شیعیان منتظر

ابوحمزه ثمالی و او از ابوخالد کابلی و او از امام سجاده روایت فضیلت انتظار فرج و مدح شیعیان منتظر توسط امام سجاده علیه السلام را نقل می کند مبنی بر این که به درستی اهل زمان غیبت او که به امامتش قائل اند از اهل همه زمانها افضلند.^۳

روایت بیان نشانه های ظهور و خروج قائم (عج)

در این بخش ابوخالد کابلی روایاتی از امام سجاده علیه السلام در ارتباط با نشانه های ظهور بیان می کند. روایت اول ناظر به ۳۱۳ تن از اصحاب خاص امام هست که بسترهای خود را برای پیوستن به امام ترک می کنند و خود را به مکه می رسانند.^۴ روایت دوم ناظر به فتنه ها و آشوب هایی است که هم چون پاره های شب به وقوع خواهد پیوست و در این زمان صاحب عصر بر فراز شهر نجف خود در

ابوخالد کابلی یار خراسانی اهل بیت علیهم السلام

۱. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، مکتبه الهدی، قم، ۱۳۸۷ ق، ج ۲، ص ۱۴۷.

۲. معرفه الرجال، ج ۱، ص ۳۳۶ و معجم الرجال حدیث، ج ۱۵، ص ۱۳۴.

۳. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۲.

۴. کمال الدین و تمام النعمه، ص ۶۵۴، و بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۳.

میان سیصد و اندی مرد و جبرئیل و میکائیل خود را آشکار می‌کند.^۱ روایت سوم هم بیان گرسنگی صاحب عصر در مکانی به نام اجفر، جایی بین فید و خزیمه، است که در آن اثنا میوه‌ای برایشان می‌روید و حضرت از آن تناول می‌کند و این معنی قول خداوند که می‌فرماید «و آیه لهم الارض الميته احییناها و اخرجنا منها حیا فمنه یاکلون.»^۲ است.

ب - روایات ابو خالد از امام باقر علیه السلام

ابو خالد کابلی از امام باقر علیه السلام هم روایت نقل کرده است که در ذیل به اختصار به برخی از آن‌ها اشاره می‌گردد. ۱- روایتی که بیانگر این نکته است که همه زمین‌ها متعلق به امام هستند. ۲- روایتی که مبین این است که ائمه اطهار علیهم السلام همه نورالله هستند. ۳- چند روایت منقوله توسط ابو خالد از امام باقر علیه السلام که در باب تفسیر آیاتی از قرآن هستند. ۴- روایتی که حاکی از نماز گزاردن بر پیکر مطهر رسول خدا پس از تغسیل و تکفین توسط حضرت علی علیه السلام است. ۵- روایتی که نهی از بردن نام حضرت حجت (عج) می‌کند. ۷- و چندین روایت دیگر از امام باقر علیه السلام در مورد نشانه‌های ظهور و خروج حضرت قائم (عج) در آخرالزمان.

ج - روایات ابو خالد کابلی از دیگر اصحاب

غیر از امام سجاد و باقر علیه السلام ابو خالد کابلی از برخی از اصحاب هم نقل روایت کرده است که اسامی آنان در منابع رجالی و روایی آمده است. در ذیل به دو روایت ابو خالد یکی از اصیغ بن نباته و دیگری از یحیی بن ام الطویل به اختصار اشاره می‌گردد.

۱. امالی مفید، ص ۵۷ و بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۳۵.

۲. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۳۵.

در روایت اول ابو خالد کابلی به نقل از اصبع بن نباته داستان ملاقات حارث همدانی و گروهی از شیعیان همراهش با امام علی علیه السلام را نقل می‌کند که حارث ناراحتی و نگرانی خود را از نزاع اصحاب در مورد سه نفری که پیش از حضرت بوده‌اند و غلو، توقف و میانه روی برخی از اصحاب در مورد علی علیه السلام بیان می‌کند. حضرت هم در پاسخ بهترین شیعیان خود را کسانی معرفی می‌کند که راه میانه را برگزیده‌اند و از غلو و توقف دوری جسته‌اند.^۱

روایت دوم بیان معجزه‌ای از امام حسین علیه السلام است که ابو خالد کابلی از قول یحیی بن ام الطویل نقل کرده است. و روایت حاکی از معجزه‌ی امام در بازگرداندن زنی پس از مرگ به خواهش و اصرار فرزند جوان آن زن است تا در مورد اموال خود وصیت کند. زن هم پس از وصیت به ثلث اموال خود برای امام و دو سوم دیگران برای بازماندگان خود به شرط آن که از محبین امام باشند از دنیا می‌رود و امام هم به درخواست زن متصدی کفن و دفن او می‌گردد.^۲

^۱. الخرائج و الجرائح، ج ۲، ص ۸۴۰ و بحارالانوار، ج ۲، ص ۳۳۶.
^۲. الخرائج و الجرائح، ج ۱، ص ۲۴۵ و بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۱۸۰.

نتیجه

ابو خالد کابلی از جمله‌ی اصحاب و یاران خاص امام سجاد علیه السلام به شمار می‌رود. وی حقیقت امامت علی بن حسین علیهما السلام را از محمد حنفیه دریافت و به خدمت ایشان شتافت و ملازمت آن حضرت را برگزید و در شمار اصحاب معتمد و خاص درآمد و محب معتقد و مخلص امام گشت.

در حق وی، از امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده‌اند که پس از شهادت امام حسین علیه السلام مردمان جز سه تن از عقاید خویش برگشتند، و آن سه تن ابو خالد کابلی، یحیی بن ام طویل و جبیر بن مطعم بودند که دیگران به آنان پیوستند و شمار مؤمنان فزونی گرفت. در روزگار سخت‌گیری بنی امیه بر شیعیان علی علیه السلام به ویژه دوران حجاج بن یوسف که بسیاری از شیعیان به زندان افتاده یا به شهادت رسیدند، ابو خالد برای مدتی در مکه به طور پنهانی زیست و پس از شهادت امام سجاد علیه السلام به مدینه بازگشت و در زمره اصحاب امام باقر علیه السلام قرار گرفت. در برخی کتاب‌های رجالی به سبب اشتراک کنیه بین ابو خالد کابلی و ابو خالد قماط مسمی به یزید، از اصحاب امام صادق علیه السلام خلط شده است.

ابو خالد کابلی بیشتر عمر خود را در مدینه گذراند و از محضر امام سجاد و صادق علیهما السلام کسب فیض کرده و از هر دو امام علیهما السلام و برخی اصحاب ائمه نقل روایت نموده است. برخی از اصحاب هم از وی نقل روایت کرده‌اند. موارد متعددی از دلایل امامت حضرت سجاد علیه السلام در مآخذ امامیه آمده است که یا راوی آن‌ها ابو خالد کابلی است و یا در رخدادهای یاد شده شخصا حضور و شرکت داشته است.

منابع

- آقابزرگ طهرانی، الذریعة الى تصانیف الشيعة، بی جا، بی تا.
- ابن أبی الحديد، شرح نهج البلاغة، الأميرة، بيروت.
- ابن بابويه، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمه، نشر اسلامیه، تهران، ۱۳۷۷ ق.
- ابن حمزه، محمد بن علی، الثاقب فی المناقب، تحقیق نبیل علوان رضا، نشر انصاریان، قم، ۱۳۷۱.
- ابن رستم، محمد بن جریر طبری، دلائل الامامه، نشر موسسه بعثت، قم، ۱۴۱۳ ق.
- ابن سعد، الطبقات الكبرى، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیه، ط الأولى، ۱۴۱۰.
- ابن شهر آشوب محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، چاپخانه علمیه، قم، بی تا.
- ابن عبدالوهاب، حسین، عیون المعجزات، نشر داوری، قم، بی تا.
- اردبیلی، محمد بن علی، جامع الرواة، دارالاضواء، بیروت.
- بحرانی، سید هاشم، مدینه معجز الائمة الاثنی عشر ودلائل الحجج علی البشر، نشر ارمغان یوسف، قم.
- بروجردی، سید علی، طرائف المقال، مکتبه آیت الله مرعشی، قم، ۱۴۱۰ ق.
- حسن بن زین الدین، تحریر الطاوسی، مکتبه مرعشی، قم، ۱۴۱۱ ق.
- حسنی، احمد بن ابراهیم، المصابیح، چاپ عبدالله حوثی، صنعاء، بی تا.
- حسینی تفرشی، سید مصطفی، نقد الرجال، موسسه آل البيت، قم، ۱۴۱۸ ق.
- حلی، تقی الدین بن داود، رجال ابن داود، حیدریه، نجف، ۱۳۹۲ ق.
- حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، خلاصه اقوال، حیدریه، نجف، ۱۳۸۱ ق.
- حلی، حسن بن یوسف، خلاصه اقوال، نشر حیدریه، نجف اشرف، ۱۳۱۸.
- خویی، ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث، نشر دفتر آیت الله خویی، قم، ۱۳۶۸ ق.

ش.

- ذهبی، تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الأعلام، شمس الدین محمد بن احمد، تحقیق عمر عبد السلام تدمری، بیروت، دار الكتاب العربی.
- رازی، محمد بن حسین، نزهة الكرام، به كوشش ابن رستم طبری، نجف، ۱۳۸۳ ق.
- راوندی، قطب الدین بن سعید، الخرائج و الجرائح، مؤسسه امام مهدی، قم، بی تا.
- شوشتری، نورالله، احقاق الحق و ازهاق الباطل، نشر کتابخانه آیت الله مرعشی النجفی، قم، ۱۴۰۹ ق.
- طبری آملی، محمد بن جریر، دلائل الامامه، دارالذخایر، قم.
- طوسی، محمد بن حسن، اختیار معرفه الرجال، (رجال کشی)، تحقیق سید مهدی رجایی، قم: مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۴ هـ.
- طوسی، محمد بن حسن، رجال الطوسی، تحقیق سید محمد صادق آل بحر العلوم، نجف، مکتب الحیدریه، چاپ اول، ۱۳۸۱ ق.
- عالمی دامغانی، محمد علی، شاگردان مکتب ائمه علیهم السلام، قم، ۱۳۶۸ ش.
- عزیزی، حسین و دیگران، راویان مشترک، قم: بوستان کتاب، چاپ اول، ۱۳۸۰ ش.
- قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، مکتبه الهدی، قم، ۱۳۸۷.
- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، تصحیح محمد باقر محمودی و دیگران، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
- مسعودی، ابی الحسن، مروج الذهب، بیروت، المکتبه العصریه، ۲۰۰۵ م.
- مفید، محمد بن نعمان، الاختصاص، تصحیح علی اکبر غفاری، قم، ۱۴۱۳ ق.
- مفید، محمد بن نعمان، امالی مفید، ترجمه حسین ولی، آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۶۴ ش.
- مفید، محمد بن نعمان، الارشاد فی معرفه العباد، قم، ۱۴۱۳.